

شکریه بارکزی رییس پیشنهادی کمیسیون اصلاحات انتخاباتی:

معامله گر نیستم



یادداشت: پس از فرمان ایجاد کمیسیون اصلاحات انتخاباتی و معرفی اعضای آن، تنش‌ها میان دو تیم سیاسی شامل در دولت وحدت ملی بر سر معرفی شکریه بارکزی به عنوان رییس این کمیسیون بالا گرفت. ریاست اجرایی با صراحت نارضایتی خود را از گزینش بارکزی در این سمت ابراز کرد. شکریه بارکزی از اعضای تیم تحول و تداوم به رهبری اشرف غنی در زمان کارزارهای انتخاباتی بود و پیش از این نوار تصویری از او در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شد که نشان می‌داد، او در یکی از سایت‌های انتخاباتی زنان را تشویق می‌کند که از یک کارت چند بار به نامزد مشخصی رأی بدهند. حالا بانو بارکزی می‌گوید که او نمی‌داند به چه دلیلی با وی مخالفت صورت می‌گیرد؛ زیرا او انسانی معامله‌گر نیست و هرگز روی ارزش‌ها معامله نکرده است. او می‌پرسد که حضور وی در رأس کمیسیون

اصلاحات انتخاباتی چی را به خطر

می‌اندازد؟

برای روشن شدن برنامه‌ها کارها و انتقادهای مطرح شده، با شکریه بارکزی گفت‌وگو کرده ایم که اینک می‌خوانید:

ریاست عمومی امنیت ملی: شبکه حقانی مسوول حمله خوست است



ریاست عمومی امنیت ملی اعلام کرده که تحقیقات این نهاد نشان می‌دهد که حمله انتحاری روز پنجشنبه گذشته ولایت خوست، توسط شبکه حقانی انجام شده است.

بر اساس خبرنامه امنیت ملی، در این حادثه ۲۰ نفر کشته و ۶۳ نفر دیگر زخمی شدند.

امنیت ملی تاکید کرده که فرد...

ادامه صفحه ۶

معاون ریاست اجرایی دولت وحدت ملی:

داعش مسوول ربودن ۳۱ مسافر است



محمد محقق، معاون دوم رییس اجراییه حکومت وحدت ملی افغانستان گفته است که گروه «دولت اسلامی» یاداعش مسوول ربودن ۳۱ تن از مسافران است. این مسافران به تاریخ ۲۷ فبروری در ولایت زابل افغانستان ربوده شده اند.

محقق به خبرگزاری اسوشیتدپرس گفته است که دو فرمانده پیشین طالبان که به گروه داعش اعلام وفاداری کرده اند، مسوول ربودن ۳۱ مسافر از اقلیت شیعی هزاره هستند.

این نخستین بار است که یکی از مقام‌های دولت مرکزی افغانستان شمولیت گروه «دولت اسلامی» یا داعش در این گروگان‌گیری را تایید می‌کند.

محقق گفت که ملا منصوردادالله و معاون‌اش ملا عبدالله کاکر در عقب این آدم ربایی قرار دارند. او افزود که این دو جنگجو به ساده‌گی پرچم سفید طالبان را به پرچم سیاه داعش تبدیل کرده اند.

معاون رییس اجراییه حکومت افغانستان گفت که نیروهای امنیتی افغانستان در هفته‌های نخست این آدم ربایی عملیاتی را برای یافتن این گروگان‌ها راه اندازی کردند، اما این عملیات نتیجه نداد.

به گفته این مقام حکومت افغانستان، گروگان‌گیران این مسافران را به گروه‌های سه-چهار نفری تقسیم کرده و در جاهای مختلف نگهداری می‌کنند. او گفت همین قدر اطلاع دارد که آن‌ها زنده هستند.

این مسافران که در دو بس از هرات به سمت کابل در حرکت بودند، در ولایت زابل توسط افراد نقاب پوش از موتر پیاده شده و به گروگان گرفته شدند. گروگان‌گیران مردان و پسران هزاره را از زنان، کودکان و مسافران غیرهزاره جدا...

ادامه صفحه ۶



مسوولان ریاست انکشاف صادرات افغانستان:

۲۰۱۴ سال خوبی نبود

انتخابات یکی از دلایلی بود که بالای صادرات افغانستان تاثیر ناگوار بر جا گذاشت.

خانم حبیبیار می‌گوید که هدف کنونی ریاست انکشاف صادرات افغانستان این است که میزان

صادرات از ۳۳ درصد تا ۵۰ درصد در سال آینده افزایش یابد.

خانم حبیبیار می‌گوید که نبود امنیت سبب بی‌میلی سرمایه داران به سرمایه‌گذاری در افغانستان شده و به گفته وی عدم دسترسی تاجران به منابع مالی علت دیگری است که مانع سرمایه‌گذاری بیشتر و رشد صادرات در افغانستان شده است.

مسوولان ریاست انکشاف صادرات افغانستان می‌گویند که سال گذشته میلادی سال خوبی برای صادرات افغانستان نبود.

به گفته مقام‌ها در چند ماه اخیر در میزان صادرات افغانستان ۳۳ درصد افزایش به عمل آمده است.

نجلا حبیبیار، رییس اداره انکشاف صادرات افغانستان می‌گوید که سال ۲۰۱۴ میزان صادرات افغانستان به ۳۷۴ میلیون دالر می‌رسید. او افزود که چالش‌های

ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها

نگاه غنی به قدرت



زنده‌گی در قرون وسطای جدید



نقد فلم «روانی» هیچکاک از دیدگاه روان‌شناسی فروید



شخصیت‌های معروف کدام را ترجیح می‌دهند: رونالدو یا مسی؟



احمد عمران

نگاه غنی به قدرت



این تفاوت بیشتر به میزان مربوط است تا نوع؛ یعنی این که تمامیت خواهی فقط نوع افراطی تر خودکامه‌گی است، و از این رو بعضی اوقات کاربرد این واژه مورد تردید واقع می‌شود.

مسئله مجادله برانگیز دیگر این است که گفته می‌شود رژیم‌های دست راستی، خودکامه هستند، در حالی که رژیم‌های دست چپی، تمامیت خواه اند. به نظر می‌آید صحیح‌تر این است که گفته شود رژیم‌های دست چپی، اصالتاً استبدادی هستند، و رژیم‌های طرفدار تمرکز قدرت نیز تمامیت خواه می‌باشند.

رژیم‌های دست راستی نیز بسته به شرایط، ممکن است استبدادی یا تمامیت خواه باشند. علاوه بر این، در حالی که نباید اهمیت نهادهای لیبرال را دست کم گرفت، از سوی دیگر نباید این نهادها را همان‌طور که هستند هم مورد پذیرش قرار داد. تمرکز ثروت در جوامع لیبرال بدین معناست که به گونه‌ی مثال: رسانه‌ها، آموزش و پرورش و خدمات بهداشتی، منافع گروه‌های ذی نفع و صاحبان منافع را بازتاب می‌دهند، و از این رو در جوامع مذکور، از آن‌چه که در نگاه اول به نظر می‌آید، موانع بیشتری در راه آزادی وجود دارد.

باید خاطر نشان ساخت دولت به خودی خود در حالی که یک نهاد تمامیت خواه نیست، ولی ادعای انحصار زور مشروع را دارد. از این رو تمایزات خاصی بین دولت و جامعه وجود دارد، و این استدلال که دموکراسی خود نیز می‌تواند تمامیت خواه باشد، انتقاد از حق تعیین سرنوشت نیست؛ بلکه یک استدلال واقعی علیه دولت تمامیت خواه محسوب می‌شود.

با در نظر داشت این تعاریف، می‌توان گفت که برخورد و نگاه آقای غنی به سیاست، در ظل ارزش‌های دموکراتیک، نگاه خودکامه‌گی و تمامیت خواه است. او خوش می‌دارد که در رأس وزارت خانه‌ها و ولایات هیچ مقام رسمی حضور نداشته باشد تا دست او را در تحکم و قدرت‌نمایی بسته یا محدود بسازد.

والی‌ها باشد، همین نگاه تمامیت خواهانه به سیاست از سوی رییس جمهوری است. آقای غنی نمی‌خواهد هیچ چیزی به دور از چشم او انجام شود. بزرگ‌بینی سیاسی و خودمحوری سبب می‌شود که سیاستمداران مظنون باشند و نسبت به دیگران، همواره با شک بنگرند. به گونه‌ی مثال، وقتی آقای غنی در سفر امریکا به سر می‌برد، معاون اول ریاست جمهوری به عنوان سرپرست ریاست جمهوری، به کارهای کشوری رسیده‌گی می‌کرد. به محض این که آقای غنی از سفر امریکا برگشت، فرمانی صادر کرد که بر مبنای آن، تمام تصمیم‌های اداری اعم از عزل و نصب‌ها باید از زیر نظر شخص او بگذرد. دلیل این امر نیز این بود که در زمان سفر به امریکا معاون اول ریاست جمهوری، فردی را به کدام پست عادی مقرر کرده بود.

این گونه برخورد که بدون شک برخوردی عادی و معمول پنداشته نمی‌شود، نشان می‌دهد که آقای غنی نمی‌خواهد دست به تقسیم قدرت بزند. تقسیم قدرت می‌تواند به گونه‌ی دموکراتیک جامعه را از خودکامه‌گی نجات دهد، اما خلاف آن تمرکز قدرت باعث تمامیت خواهی و استبداد در نظام می‌شود. اما تمامیت خواهی چیست؟

تمامیت خواهی (توتالیتریانیسم) یک مفهوم قرن بیستمی است که به معنای در اختیار گرفتن قدرت مطلق توسط یک دولت یا گروه و یا یک فرد است. این واژه که در ابتدا در مورد رژیم‌های فاشیستی به کار گرفته می‌شد، پس از جنگ جهانی دوم در مورد رژیم‌هایی با ایدیولوژی چپ نیز مورد استفاده قرار گرفت. این واژه در اصل به مثابه نقدی بر رژیم‌های ضد آزادی است که در آن‌ها فقط یک حزب واحد حکومت می‌کند، شکاف عمیقی بین دولت و جامعه وجود دارد، افراد جامعه مورد بازجویی‌های پولیسی و قانونی مرتب قرار می‌گیرند و دولت کنترل زیادی بر اقتصاد اعمال می‌کند. بعضی از اندیشمندان بین رژیم‌های خودکامه و تمامیت خواه تمایز قایل می‌شوند، ولی می‌توان استدلال کرد که

بیش از شش ماه از ایجاد دولت وحدت ملی می‌گذرد، بدون آن که کار مهمی در افغانستان صورت گرفته باشد. کابینه افغانستان هنوز تکمیل نشده، اکثریت ولایات از سوی سرپرست‌ها اداره می‌شوند، سفارت‌های کشور در بی‌سرنوشتی به سر می‌برند و ده‌ها مشکل دیگر که هم‌چنان باعث دل‌زده‌گی عمومی از وضعیت موجود شده است. اشرف غنی به عنوان رییس جمهوری کشور وقتی با پرسشی در این زمینه روبه‌رو می‌شود، در میان شوخی و مزاح می‌گوید: «خیر است، صبر کنید همه چیز درست می‌شود.» اما این که واقعاً همه چیز چه زمانی درست می‌شود، کسی برای آن پاسخی در آستین ندارد.

عدم اراده پاسخ دقیق برای چنین پرسشی از سوی مسوولان، هرگز به معنای آن بوده نمی‌تواند که هیچ پاسخی برای آن وجود ندارد. بلکه مشکل اصلی به نظر نگارنده از آنجا نشأت می‌گیرد که رییس جمهوری نگاه خاص و ویژه‌ی به قدرت سیاسی دارد. نگاه رییس جمهور غنی به قدرت، نگاهی توأم با تمامیت خواهی است. شاید طرح چنین موضوعی در نگاه اول غرض‌آلود به نظر برسد، ولی با یک حساب سرانگشتی می‌توان به واقعیت‌هایی دست پیدا کرد که این نکته را ثابت می‌سازند.

آقای غنی از زمان مبارزات انتخاباتی، در سخنان خود از نوعی تحکم استفاده می‌کرد؛ تحکمی غیر معمول که کمتر در زمان مبارزات انتخاباتی از سوی نامزدها به کار گرفته می‌شود. نشانه‌های خودمحوری در سیاست از سوی آقای غنی از سال‌ها پیش وجود داشته و حتا زمانی که او به عنوان وزیر مالیه و یا رییس برنامه انتقال مسوولیت‌های نظامی کار می‌کرد، در رفتار و گفتارش کمتر از تواضع و رعایت ادب نسبت به دیگران کار می‌گرفت. آقای غنی از دیدگاه روان‌شناسی سیاسی، به نوعی خودبزرگ‌بینی دچار است که نمی‌گذارد کسی را داناتر، مدیرتر و خبره‌تر از خودش ببیند. یکی از دلایلی که می‌تواند باعث تأخیر در معرفی اعضای کابینه و یا هم تعیین

سخن ماندگار

دولت وحدت ملی

به اصل خویش برگردد

نزدیک به هفت ماه از آغاز به کار دولت وحدت ملی می‌گذرد؛ اما کارکردهای این دولت نشان می‌دهد که ارگ ریاست جمهوری به گونه‌ی مطلق قدرت را در انحصار خویش گرفته است. جدا از انحصار قدرت، دولت وحدت ملی اخیراً کارهای خانه‌گی خود را نیز به فراموشی گذاشته و در عوض کارهایی را روی دست گرفته که اصلاً در صلاحیتش نیست و منافع کشور را بر نمی‌تابد.

مثلاً ارگ ریاست جمهوری افغانستان، اخیراً در یک اقدام ناشیانه و خلاف منافع ملی کشور، به حمایت و پشتیبانی از عربستان سعودی که طی دو دهه از بزرگ‌ترین حامیان گروه تروریستی طالبان بوده و اکنون به حمایت از گروه تکفیری و خون‌خوار داعش متهم است، پرداخته است. در کنار این مسئله، آقای غنی در بازگشت از امریکا فرمانی صادر کرده که بر بنیاد آن، هیچ امری به جز امر خود نمی‌تواند مرعی الاجرا باشد. این حرکت‌ها از برگشتی یک‌صد و هشتاد درجه‌یی از سیاست‌های تعریف‌شده دولت وحدت ملی خبر می‌دهد و چنین تصمیم‌هایی به‌ساده‌گی می‌تواند چهره دولت جدید را «دیکتاتورانه و توتالیتر مآبانه» جلوه دهد.

حرکت‌هایی که در روزهای پسین صورت گرفت، نشان می‌دهد که دولت وحدت ملی فرصت‌هایی بسیار کشنده‌یی را پیش روی افغانستان می‌گذارد؛ در عرصه داخلی ارزش‌هایی مثل دموکراسی را به دیکتاتوری تبدیل کرده و در عرصه خارجی، افغانستانی که باید هم با منطقه و هم با جهان زنده‌گی کند را در کام یک قدرت و طرف می‌اندازد و میدان جنگ‌های نیابتی را در چندین جبهه در کشور باز می‌کند.

افغانستان پیش از این نیز قربانی جنگ‌های نیابتی بوده؛ از این رو نباید پای این کشور به جنگ‌های نیابتی دیگر و قدرت‌های دیگر کشانیده شود. ارگ در اعلامیه‌یی گفته است که دولت افغانستان با تمام نیرو آماده دفاع از سرزمین حرمین شریفین است. در حالی که عربستان مورد حمله هیچ کشوری قرار نگرفته و به نظر هم نمی‌رسد حرمین شریفین مورد حمله کدام کشوری قرار گیرد. بلکه برعکس، این عربستان است که کشور اسلامی یمن را مورد تجاوز قرار داده و دولت افغانستان نباید از آماج قرار گرفتن یک کشور اسلامی حمایت کند.

از طرف دیگر، دست کم عربستان طی دو دهه گذشته با حمایت از گروه‌های تروریستی و قاتلان مردم افغانستان، نیت خود را در برابر مردم و کشور ما ثابت ساخته است. از این رو، دفاع از کشور حامی تروریسم و بنیادگرایی، به هیچ صورت توجیه پذیر نیست. مخالفت‌هایی که پس از اعلامیه ارگ صورت گرفته است، ثبوت این مدعاست که حرکت ریاست جمهوری در برابر خواست‌های عمومی قرار دارد. بنابراین، در مسایل کلان کشوری که مربوط به مصالح ملی و تمامیت ارضی کشور می‌شود، باید دیدگاه مردم افغانستان، جامعه مدنی و به‌ویژه رهبران تمام جناح‌های سیاسی در نظر گرفته شود و عمده‌ترین نقطه این است که مجلسین شورای ملی کشور باید قبل از اقدام در جریان قرار داده شوند و چنین حرکت‌هایی باید در دستور کار مجلس نماینده‌گان باشد.

باید درک کنیم که افغانستان در موقعیتی نیست که از پس کشمکش‌ها و تنش‌های منطقه‌یی، موفقانه به‌درآید. ما به اندازه کافی با چالش‌ها و مشکلات امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داخلی مواجه هستیم. از این رو، مصلحت نیست که در یک تنش و جنگ تازه منطقه‌یی، دخیل شویم. به هر رو، یک بار دیگر از دولت وحدت ملی می‌خواهیم که در کارهایی که تا اکنون انجام داده‌اند، تجدید نظر کنند. ورنه راهی را که ریاست جمهوری در پیش گرفته و ریاست اجراییه هم در برابر آن از ترحم کار می‌گیرد، می‌تواند کشور را به قهقرا ببرد.

دولت وحدت ملی باید به اصل خویش برگردد و به سیاست‌ها و مسایلی بپردازد که وظیفه‌اش است. از طرف دیگر، ریاست جمهوری باید بدانند که اصلی‌ترین وظیفه دولت‌های وحدت ملی در هر کجای دنیا، تقسیم قدرت است، نه قبضه کامل آن؛ به‌ویژه آن که قبضه قدرت و صلاحیت در افغانستان، همواره مسئله‌ساز تمام شده است. از این رو پیشنهاد می‌کنیم که دولت وحدت ملی سیاست‌های ناسنجیده را کنار گذاشته و به اصل مفهوم خویش بازگردد.

کتابهای درسی تاریخ جاپان فریاد کوریاییها را بر آورد



مقامات جاپان با انتشار کتابهای درسی تاریخ برای دانش آموزان این کشور که در آنها مدعی مالکیت یک مجمع الجزایر مورد مناقشه میان این کشور و کره جنوبی شدند، به این مناقشه هرچه بیشتر دامن زدند.

به گزارش خبرگزاری خبرگزاری فرانسه، کتابهای درسی جدیدی که طی روزهای اخیر در جاپان منتشر شدند و در آنها این کشور مدعی یک مجمع الجزایر مورد مناقشه با کره جنوبی شده است موجب خشم مقامات کره جنوبی خواهد شد.

در این کتابها این مجمع الجزایر که کره‌ایها به آن جزایر دوکدو می‌گویند با نام جاپانی آن تحت عنوان جزایر تاکشیمای نام برده شده است.

این جزایر متشکل از دو جزیره کوچک اصلی و یک گروه از جزایر صخره‌ای کوچک هستند که مجموعاً حدود ۲۳۰ هزار متر مربع مساحت داشته و در دریای جاپان در فاصله ۸۷ کیلومتری جزیره اوله اونگ دو متعلق به کره جنوبی قرار دارند.

مدیریت این جزایر از سال ۱۹۵۲ تا کنون به عهده دولت کره جنوبی بوده است.

مناقشه بر سر محتوای کتابهای درسی جاپانی پس از آن به راه افتاد که در جنوری ۲۰۱۴ هاکوبون شیمومورا، وزیر آموزش جاپان اعلام کرد دولت این کشور در حال بازبینی خط مشی‌های مربوط به محتوای کتابهای درسی است تا به جزایر دوکدو به عنوان خاک کشور جاپان استناد کند و سیاست رسمی دولت جاپان در خصوص اینکه جزایر تاکشیمای منطبق با حقایق تاریخی و مطابق قوانین بین‌المللی جزو خاک جاپان هستند، استناد کنند.

بر اساس بیانیه‌ای در وب سایت متعلق به این وزارتخانه ادعای مالکیت کره جنوبی و این جزایر یک اشغالگری غیرقانونی است.

دولت کره جنوبی نیز در وب سایت خود گفت که در موضع خود نسبت به اینکه جزایر دوکدو در دریای شرقی خاک کره جنوبی به حساب می‌آید تاکید می‌کند. در این بیانیه تاکید شده است: چنین حقیقتی بر اساس قوانین بین‌المللی و همین طور به طور تاریخی و جغرافیایی غیرقابل مناقشه است.

بن لادن و ضیاء الحق «اعتبار» پاکستان نیستند



رییس حزب مردم پاکستان در جریان خطابه‌ی بزرگداشت سی و ششمین سالگرد ترور ذوالفقار علی، پدربزرگش گفت: اسامه بن لادن و ضیاء الحق، جنرال سابق پاکستانی اعتبار و وجهه پاکستان نیستند.

به نوشته روزنامه داون، بیلاوال بوتو، رهبر حزب مردم پاکستان گفت: ذوالفقار علی بوتو، پدربزرگم و بی‌نظیر بوتو، مادرم که هر دو ترور شدند، زندگیشان را برای پاکستانی دموکرات و کثرت‌گرا قربانی کردند. دکترین حکومت نظامی جنرال ضیاء الحق برای اشاعه فرهنگ خودکامه، استبدادی و افراط‌گرایی مذهبی باعث از میان رفتن و زوال جامعه کثرت‌گرا، صبور و میانه‌روی پاکستان شده است.

وی ادامه داد: اینچنین ذهنیت مسمومی از جانب جنرال ضیاء الحق در نهایت باعث ایجاد یکسری سازمان‌های افراط‌گرا و شبه‌نظامی و ترور بی‌نظیر بوتو، نخست‌وزیر فقید پاکستان به دست طالبان شد.

خشم رییس جمهوری کنیا از کشتار الشباب:

تلافی می‌کنیم!



وی گفت که عاملان این حمله «شدیداً» در جامعه کنیا جای گرفته‌اند و از مسلمانان کنیا خواست تا برای جلوگیری از افراط‌گرایی کمک کنند. سخنرانی تلویزیونی رییس جمهوری کنیا پس از آن انجام شد که وزارت کشور کنیا از بازداشت پنج مظنون حمله مذکور که قصد فرار به سومالی را داشتند، خبر داد.

چهار تن از مظنونان اصلیت کنیایی داشتند و مظنون پنجم اهل تانزانیا بود.

مغز متفکر مظنون موسوم به «محمد محمود» یک معلم سابق در مکتبی واقع در گارسیا بود که هم اکنون فراری است. دولت کنیا برای بازداشت وی جایزه ۲۱۵ هزار دلاری تعیین کرده است.

رییس جمهوری کنیا در ادامه اظهاراتش تاکید کرد: وظیفه ما برای مقابله با تروریسم زمانی دشوارتر می‌شود که متوجه می‌شویم که طراحان و حامیان مالی این کشتار وحشیانه در درون جامعه ما رسوخ کرده‌اند. افراط‌گرایی که تروریسم را به بار می‌آورد، در تاریکی شب اتفاق نمی‌افتد بلکه در روز روشن، در خانه، در مدرسه، مسجد و دانشگاه و از سوی واعظان تندرو رخ می‌دهد.

در پی حادثه حمله خونین الشباب و کشتار دانشجویان کنیایی، رییس جمهوری این کشور متعهد شد تا با «شدیدترین» روش این اقدام را تلافی کند و از جامعه مسلمانان کشورش خواست تا برای جلوگیری از افراط‌گری کمک کنند. به گزارش خبرگزاری رویترز، دو روز پس از آنکه شبه نظامیان تروریست سومالی دانشجویان غیرمسلمان را به صف بسته و پس از به ریشخند گرفتن، آنها را قتل عام کردند، اوهورو کنیاتا، رییس جمهوری کنیا هشدار داد که این شبه نظامیان مسلح را به خاطر «کشتار احمقانه» به پای میز محاکمه می‌کشاند.

پنج شنبه هفته گذشته دانشگاه گارسیا در شرق کنیا حدود یک روز به اشغال شبه نظامیان درآمد و آنها جان ۱۴۸ تن از جمله ۱۴۲ دانشجو، سه افسر پلیس و سه سرباز را گرفتند. این قتل عام از زمان بمبگذاری سال ۱۹۹۸ در سفارت آمریکا در نایروبی خونین‌ترین حمله در کنیا محسوب می‌شود. رییس جمهوری کنیا از روز یکشنبه سه روز عزای عمومی اعلام کرده و گفته است که این کشتار باید سبب اتحاد و نه تفرقه در کشور شود.

حضور اوباما در نشست قاره آمریکا و احتمال دیدار با راثول کاسترو

رییس جمهوری آمریکا قرار است در نشست قاره آمریکا در پاناما شرکت کند؛ گردهمایی که می‌تواند منجر به نخستین دیدار رهبران کوبا و آمریکا در نیم قرن اخیر شود.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، «باراک اوباما»، رییس جمهوری آمریکا قرار است روز پنجشنبه به جامائیکا و سپس به پاناما سیتی برود تا با رهبران قاره آمریکا دیدار کند.

«راثول کاسترو»، رییس جمهوری کوبا نیز تایید کرد که در این نشست حضور خواهد یافت اما چند روز مانده به نشست قاره آمریکا، دیپلمات‌ها همچنان درباره چگونگی روند برگزاری این نشست رایزنی می‌کنند.

یکی از مقام‌های ارشد وزارت امور خارجه آمریکا گفت: این رهبران برای چندین ساعت با یکدیگر خواهند بود و این یک همکاری متقابل با راثول کاسترو خواهد بود.

رییس جمهوری آمریکا گفته است که روابط دیپلماتیک میان واشنگتن و هاوانا باید از سر گرفته شود و آمریکا برای پایان دادن به تحریم‌ها علیه کوبا به سمت جلو پیش می‌رود.

در همین حال، در نظرسنجی دو موسسه درباره روابط میان کوبا و آمریکا مشخص شد که ۵۱ درصد معتقدند سیاست اوباما در عادی‌سازی روابط راهی به سمت جلو است.

گروه‌های غیردولتی منتقد کوبا برای شرکت در این نشست جامعه مدنی که به موازات نشست رهبران قاره آمریکا برگزار می‌شود، دعوت شده‌اند و اوباما نیز انتظار می‌رود که در این گردهمایی شرکت کند و به دور از چشم رسانه‌ها در یک جلسه پرسش و پاسخ حضور داشته باشد.

اگر این گروه‌های غیردولتی از خروج از کوبا منع شوند یا اوباما به دنبال انتقاد شدید از دولت هاوانا در اظهاراتش باشد، تمامی امیدها به برقراری مجدد روابط دیپلماتیک میان دو طرف به یاس بدل می‌شود.

نشست قاره آمریکا در حالی برگزار می‌شود که آمریکا اخیراً علیه ونزوئلا دست به اعمال تحریم‌هایی زده است و این اقدام باعث نگرانی و حتی خشم رهبران آمریکای لاتین چون راثول کاسترو، اوو مورالس، رییس جمهوری بولیوی و دانیل اورتگا رییس جمهوری نیکاراگوئه شده است.



فیدل کاسترو پس از ۱۴ ماه به صحنه آمد

او با هیات‌های خارجی و روشنفکران در خانه‌اش بود. اما حالا گرانما، ارگان حزب کمونیست کوبا چهار عکس از دیدار عمومی او منتشر کرده است. دانشجویانی که فیدل کاسترو با آنها دیدار کرده و دست داده است در قالب یک جنبش همبستگی میان کشورهای آمریکای لاتین به کوبا سفر کرده‌اند. به گزارش بی‌بی‌سی، این دانشجویان گفته‌اند که دقت فیدل کاسترو به جزئیات آنچه در ونزوئلا می‌گذرد آنها را تحت تاثیر قرار داده است. فیدل کاسترو در سال ۲۰۰۸ و پس از ۳۲ سال از ریاست‌جمهوری کوبا کناره گرفت و راثول کاسترو، برادر او جایگزینش شد.



فیدل کاسترو، رهبر و رییس جمهور پیشین کوبا، پس از ۱۴ ماه در انظار عمومی ظاهر شد و با گروهی از دانشجویان ونزوئلایی که به کوبا سفر کرده‌اند، دیدار کرد.

بخش سوم و پایانی

بهترین راه

برای جبران یک اشتباه



راضیه کتاچی

ابراز پشیمانی کنید

وقتی می‌خواهید عذرخواهی تان موثر واقع شود، خیلی مهم است ارزش ابراز ندامت را بدانید. مسوولیت پذیرفتن مهم است، اما این که طرف مقابل بداند شما چه قدر از رفتار تان پشیمان هستید نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. دیگران از این که ببینند شما به جهت این که موجب ناراحتی شان شده‌اید ناراحت هستید، اندکی احساس آرامش خواهند کرد. گفتن جملاتی از این قبیل که: «ای کاش با ملاحظه‌تر رفتار می‌کردم»، «ای کاش احساس تو را هم در نظر می‌گرفتم»، «امیدوارم عذرخواهی ام را بپذیری»، نشان‌دهنده پشیمانی خالصانه شماست.

در صدد جبران برآید

اگر راهی وجود دارد که می‌توانید اشتباه خود را جبران کنید، حتماً آن را انجام دهید. در واقع این کار بخشی از عذرخواهی صادقانه است و این که نشان دهید واقعا از رفتار تان پشیمان هستید و می‌خواهید اوضاع را روبه‌راه کنید. مثلاً اگر حرف بدی زده‌اید، باید با گفتن سخنی خوب موجب احساسات خوب در فرد شوید. یا اگر کاری کرده‌اید که اعتماد فرد از شما سلب شده، باید کاری کنید این اعتماد از دست رفته بازسازی شود.

دو اشتباه رایج

۱- بسنده کردن به یک عذرخواهی لفظی ساده: به کار بردن کلماتی مانند «بخشید»، «معذرت می‌خواهم» یا «وای، اشتباه کردم» و غیره، به هیچ وجه عذرخواهی واقعی محسوب نمی‌شود. این نوع عذرخواهی‌ها شاید در زمانی که ناخواسته به کسی تنه می‌زنیم یا به میان حرف کسی می‌پریم، مثر باشد اما در موارد دیگری که احساسات طرف مقابل را عمیقاً جریحه‌دار کرده ایم، به هیچ وجه موثر نیستند. معذرت‌خواهی صحیح و موثر آن است که به کسی که به سبب ایجاد رنجش یا کدورت در قلب او شده‌ایم، پاسخی عاطفی، همدلانه و از صمیم قلب بدهیم. در واقع معذرت‌خواهی باید از ته قلب و برای رفتار خاصی باشد که انجام داده‌ایم؛ وگرنه بی‌معنا و بی‌اثر خواهد بود. اگر به دنبال معذرت‌خواهی، رفتار شخص تغییر نکند، ثمری به بار نخواهد آورد.

۲- سریع بخشیدن: سریع بخشیدن افراد، دقیقاً به همان اندازه خطرناک است که نبخشیدنشان؛ زیرا اگر عذرخواهی دیگران را بدون هیچ واکنشی فوراً بپذیرید، در روابط عاطفی خود با او به هیچ گونه تغییر مثبت یا بهبود عاطفی دست نمی‌یابید. از این گذشته، اگر کسی به خاطر عمل خطایی که مرتکب شده، با یک عذرخواهی ساده و سرسری از کنار رنجش شما بگذرد و شما هم بگویید که «اشکالی ندارد»، ناراحتی و دل‌خوری هم چنان در دل تان باقی می‌ماند. هر چند که به ظاهر اوضاع آرام به نظر می‌رسد.

بخش چهارم و پایانی

مدرن - مشابه است)، با رد و بدل‌ها و به فرض گرفتن‌های مداوم و دو جانبه؛ بیزانتینی کردن آشکار، تمایل شدید به فهرست‌ها، هم گذاردها [۳۱]، انباشت‌های اشیای ناخوان، ناشی از نیاز به از هم گسیختن و بازنگری تکه‌پاره‌های دنیای قبلی که شاید متوازن و هماهنگ بوده، لیکن امروزه مجهور و بلااستفاده است.

یک صومعه (در جایی دورافتاده در خارج از شهر، محصور در استحکامات و دیوارهایی بلند، فوج بربرها، راهبه‌هایی که دور از قیل و قال دنیا، زنده‌گی خود را وقف پژوهش‌های خود کرده‌اند) شباهت بسیاری به یک دانشگاه آمریکایی دارد. بعضی وقت‌ها شاهزاده یکی از راهبان را برای مشاورت می‌خواند و او را فرستاده خود به کاتای [۳۲] می‌نمود و به این طریق وی با بی‌تفاوتی کامل از راهبه‌گی به زنده‌گی غیرمذهبی وارد می‌شد و پس از کسب قدرت با همان وسواسی که کتب یونانی را جمع‌آوری می‌کرد، در پی تسلط بر دنیا بود. نام این شخص می‌توانست گربرت د اوریاک باشد یا مک نامارا، بوتراند کلروو باشد یا کیسینجر، در پی صلح باشد یا جنگ طلب. (مانند آیزنهاور که پس از پیروزی در چند جنگ به صومعه بازگشته و رییس دانشگاه می‌شود و بعد دوباره، وقتی توده به او لقب قهرمان پرچم می‌دهد، به خدمت امپراتوری برمی‌گردد).

به نظر نمی‌رسد این صومعه‌ها که با استفاده از وسایل الکترونیکی پیچیده، اطلاعات گذشته را پاره پاره یافته و سرهم می‌کنند (به طوری که اسرارشان هرگز کاملاً افشا نمی‌شود)، رسالت ثبت، حفظ و انتقال ثروت فرهنگی گذشته را برعهده گرفته باشند. قرون وسطا رنسانسی مجذوب باستان‌شناسی را تولید کرد. در واقع قرون وسطا چیزی را حفظ نکرد، بلکه دوران تخریبی بی‌پروا و حفاظتی نامنظم بود: دست‌نوشته‌های اصلی را گم ولی برخی بی‌اهمیت را حفظ نمود؛ شعاری شگفت‌انگیز را نادیده گرفت تا با معما جایگزین کند؛ متون مقدس را تحریف کرد، به برخی قسمت‌ها افزود و به این ترتیب کتب «خود» را نوشت. قرون وسطا بدون آگاهی از شهرهای یونانی (پولیس) جوامع اشتراکی خود را ایجاد کرد، به پندار یافتن انسان‌های یک پایی که دهان‌شان در شکم‌شان بود، به به چین رفت و حتا شاید با استفاده از نجوم بطلیمیوسی و جغرافیای اراتوستن [۳۳] قبل از کلمبوس به امریکا رسیده بود.

گفته‌اند که قرون وسطای ما عصر «انتقال دایم» است و محتاج به شیوه‌های جدید انطباق. مسأله ما نه حفظ گذشته علمی، بلکه یافتن نظریاتی برای بهره‌گیری از آشفته‌گی و ورود به منطق کشمکش و ستیز است. فرهنگ نوی، پرورده آرمان‌شهر پدید خواهد آمد (که البته حالا دیگر هویداست): فرهنگ انطباق دایم. قرون وسطا دانشگاه‌ها را به همین شکل و با همین بی‌فکری که کشیشان دوره‌گرد امروز در پی تخریب و شاید تغییرش‌اند، اختراع کرد. قرون وسطا میراث گذشته را نه از طریق واکنشی [۳۴] و خواب‌آلودگی، بلکه از راه استفاده، ترجمه و باز استفاده دایم حفظ کرد؛ با آمیخته‌یی از دل‌تنگی، امید و ناامیدی، کاری بس عظیم را از طریق بازسازی بازمانده‌های گذشته به سر رساند.

در پس عدم تحرک و جزم‌گرایی ظاهری، قرون وسطا در واقع دوران یک «انقلاب فرهنگی» بود و طبیعتاً متأثر از قتل عام، طاعون، عدم تحمل و مرگ. هیچ‌کس ادعا نمی‌کند که قرون وسطا چشم‌اندازی شاد آرایه می‌کند.

خزانه‌داری کلیساها و شاهزاده‌گان متبلور است؛ جایی که همه چیز از یک تیغ تاج مسیح گرفته تا تخم مرغی داخل تخم مرغ دیگر، شاخ اسب شاخدار، حلقه ازدواج یوسف قدیس، مجموعه جان قدیس در دوازده ساله‌گی (اشتباه از راوی) یافت می‌شود.

تمایزی بین اشیای زینتی و مکانیکی نبود (رباتی به شکل آلت مردانه با حکاکی بسیار هنرمندانه از طرف شارلمانی به هارون الرشید هدیه شده بود - جواهری متحرک - اگر چنین چیزی وجود داشته است)؛ و هیچ تمایزی بین خلق هنری و اشیای جالب، تولید صنعتگر و هنرمند، بین «متکثر» و اصل و بلاخره بین لامپ‌های هنر نو [۲۸]، یک دندان کوسه، یک کار هنری و یافتنی‌های جالب بازار مکاره وجود نداشت. تمایل به رنگ‌های اجق و جق و نور و به مفهوم عنصر مادی لذت بسیار نمایان بود. این که در گذشته گلدان‌های طلایی را به زبرد می‌آراستند تا نور خورشید را از شیشه‌های رنگی کلیساها بتاباند و امروزه با سور چندرسانه‌یی جلوه‌های آب و نورافکن‌های چرخان سیرک‌های برقی، مردم را شگفت‌زده و مبهوت می‌کنند، تغییری در اصل مطلب نمی‌دهد.

به گفته هویزینگا [۲۹] برای درک زیباشناختی قرون وسطا باید به شگفت‌زده‌گی بی‌تمیز [۳۰] بورژوازی فکر کنیم که به شی‌بی عجیب و قیمتی می‌نگرد. البته هویزینگا در چهارچوب زیباشناختی بسارمانتیسیم تحلیل می‌کرد، امروزه چنین واکنشی از جانب نوجوانی که پوستر یک دایناسور، موتورسیکلت و یا جعبه جادویی ترانزیستوری مشتعش‌کننده نور (یعنی پیوندی از جواهرات بربری و فناوری در دورنمایی علمی - تخیلی) مواجه می‌شود، مشهود است.

هنر امروزه همچنان هنر قرون وسطایی نه سیستماتیک بلکه برهم‌نهاد و ترکیبی است: امروزه نیز مانند آن زمان همزیستی تجربیات پُربار نخبه‌گان و بنگاه‌های عوام‌پسندکننده (رابطه بین متون تزئین شده و کلیساها با رابطه موما - موزیم هنرهای

زنده‌گی در قرون وسطای جدید

نویسنده: امبرتو اکو

برگردان: عاطفه اولیایی

در اشعار، ترانه‌ها و معماها، واژه - استعاره‌های ایرلندی [۲۴]، اشعار موشح [۲۵]، اجزای زبانی نقل قول‌های پاند و یا سنگیتی [۲۶]، بازی‌های دیوانه‌وار واژه‌یی ویرژیل بیگوره و ایزدور سویل [۲۷] که به‌راحتی متون جوینس را تداعی می‌کند (و او خود می‌دانست) و یا رساله‌های شعر و تمرین‌های نگارش نحوی زمانی که نوشته‌های گودار را به خاطر می‌آورد، به‌خصوص علاقه مفرد به جمع‌آوری و فهرست‌سازی که تجسم عملی‌اش در



نقد فلم «روانی» هیچکاک از دیدگاه روان‌شناسی فروید

بازگشت به خانه را در سر می‌پروراند. اما شخصیت برجسته و اصلی اثر یعنی نورمن؛ جوانی زخمی و لطمه دیده است. او که در کودکی پدر را از دست داده و زیر سلطهٔ مادر بزرگ شده، آن‌چنان به مادر وابسته و عاشقش شده است که وقتی مادر عاشق مرد دیگر می‌شود، چون مرد را رقیب عشقی خود می‌داند (عقدۀ ادیپ)؛ نه تنها مرد را بلکه مادر را نیز می‌کشد. مرد جوان بعد از مرگ مادر برای فرار از تنهایی، جسد مادرش را به خانه آورده و کم کم با او شروع به صحبت می‌کند، به گونه‌ایی که به‌جای مادر، خود صحبت می‌کند و این‌جاست که به دوگانه‌گی شخصیتی می‌رسد. نیمی مادر است و نیم دیگر نورمن. در واقع به اعتقاد فروید، او دچار درجازه‌گی و نوعی «نورز» شخصیتی می‌شود. شخصیتی که در دوره‌یی از زنده‌گی متوقف می‌شود و وابسته به دوران کودکی خود است. نورمن در دوران قدیم سیر می‌کند و به وسواس شدید در تمیز نگه داشتن مثل گرفتار می‌شود که این خود از علایم دیگر نورز محسوب می‌شود.

از صحنه‌های ماندگار اثر می‌توان به صحنهٔ قتل اشاره کرد و آن را از دو جهت بررسی کرد. ابتدا از دیدگاه نورمن و دیگری از نگاه مادر نورمن. مادر نورمن (نیمۀ دوم نورمن) وقتی می‌بیند دختر تازه‌وارد می‌خواهد محبت پسر را از او بگیرد، به علت حسادتِ مادرانه و به‌خاطر بدگویی‌های دختر و پیشنهادش به دیوانه‌خانه

نورمن جوان است. در دیدگاه فرویدی آنچه که مقرر است، نماد زنانه‌گی و آنچه که طولش از قطرش بیشتر است، نماد مردانه‌گی محسوب می‌شود. نورمن از سوراخ گردی که در دیوار کنده شده و از داخل روزنه‌یی گرد (نماد زنانه‌گی) به دختر نگاه می‌کند تا امیال جنسی سرکوب شده‌اش را ارضا کند. هم‌چنین روان‌کاوان آب را به هر شکلش نمادی، مادینه یا مادرانه تعبیر کرده اند. نورمن وقتی دختر را در حال شست‌وشوی می‌بیند، به او حمله می‌کند و سپس او را درون مردابی که گرد است، مدفون می‌کند. مردابی که همه چیز را در خود فرو می‌کشد و شاید نمادی از زهدان باشد.

تصویر شب، تاریکی، توفانی که زوزه می‌کشد، خصوصیات ضمیر ناهوشیار و نهاد را القا می‌کند؛ نورمن در تاریکی دست به جنایت می‌زند، او از نور می‌ترسد و کار دفن جسد را در تاریکی کامل انجام می‌دهد.

این تاریکی، وقتی دختر می‌خواهد از پول سرقتی برداشت کند نیز دیده می‌شود؛ او در اتاق کوچک و تاریک دست‌شویی دست به این کار می‌زند. استفاده از جاروب بلند و سطل گرد که یکی را داخل دیگری قرار می‌دهند نیز می‌تواند نشان نرینه‌گی و ماده‌گی باشد. هم‌چنین نورمن از چاقو که نشان مردانه‌گی است، برای کشتن افراد سود می‌جوید. برج و خانه که بالای تپه (کوه؛ نشان مردانه‌گی) است و اشراف به دوازده

می‌شود. هم‌چنین در مقابل مرد که او را به گونه‌یی بازخواست می‌کند، با انگشت‌های دستش بازی بازی می‌کند.

همان‌طور که گفته شد، وسواس نیز از دیگر عوارضی است که در بروز ناخودآگاه جلوه‌گر است. نورمن هر هفته شملدها را عوض می‌کند تا بوی ناگوار نگیرد. او چراغ مثل را گرچه بی فایده است، روشن می‌گذارد. به دوازده اتاق مرتباً در حالی که می‌داند مسافری نیست، رسیده‌گی می‌کند. او اتاق مادر را در طی این سال‌ها مرتب و تمیز نگاه می‌دارد. اتاقی پُر از تجملات که در تضاد با اتاق خودش و عروسک‌های شکسته‌اش بیشتر نمود پیدا می‌کند و آشکار می‌شود.

این وسواس در تمیزی و مرتب انجام دادن کارها از احساس گناهی است که در او ریشه دوانده. او خود را موظف به انجام این کارها می‌داند تا وجدان آشفتهٔ خود را التیام بخشد و درمان کند. نورمن جوان برای این‌که مادر را همیشه در کنار خود ببیند، حتا جای او می‌خوابد؛ او با سر پا نگه داشتن مثل به گونه‌یی دیگر می‌خواهد سرپوشی بر مرگ مادر و عذاب وجدان خود بگذارد.

از بحث‌های دیگر فروید، لیبیدوی جنسی است. در نگاه فروید، پرواز یک نماد جنسی است. وجود پرنده‌های خشک‌شده نشان از غرایز سرکوب‌شدهٔ جنسی و عدم توانایی جنسی نورمن است. خشک کردن پرنده‌ها، نشانی از عدم ارتباط با موجود زنده و



فرحتاز علی‌زاده

«آدمی در چنبرهٔ ناآگاهی گرفتار است.»

فروید

آلفرد هیچکاک استاد دلهرهٔ سینما در فلم «روانی»، ترس را نه برای ایجاد ترس و ساخت فضاهای ترسناک، بلکه برای شناخت انسان و بررسی زوایای روح او به کار می‌گیرد. او به‌جای استفاده از سرداب‌های نمور، دهلیزهای پیچ در پیچ و یا صدای جغد؛ شخصیت دوگانه‌یی را خلق می‌کند تا عمل ترس را در روابط انسان و ذهن آنان کندوکاو کند. این استاد ترس، به جای عامل بیرونی گوتیک که عنصر ناشناخته‌ها و محیط را شامل می‌شود، به عنصر درونی یعنی به تضاد انسان با درون خویش می‌پردازد.

هیچکاک با به‌کارگیری اصل تقابل، به ساخت کاراکترهایی متفاوت روی می‌آورد. شخصیت‌هایی مانند؛ مردعاشق ولی عاقل (فراخود قوی) در مقابل دختری که در ابتدا به نهاد برای رسیدن به امیال و آرزوها جواب مثبت می‌دهد و سپس به کمک فراخود و عقل، این احساسات را کنترل می‌کند تا با یافتن خود به تعادل برسد (پیروزی خود). هیچکاک این شخصیت را در تضاد با نورمن قرار می‌دهد که به نهاد لگام‌گسیختهٔ خود اهمیت می‌دهد (برتری نهاد). هیچکاک با ایجاد تناقض بین دو شخصیت، ما را به شناخت درونی انسان می‌رساند.

مرد جوان به دلیل اجبار در باز پس دادن قرض‌های پدر و تأمین مخارج همسر قبلی، از ازدواج با دختر مورد علاقه‌اش سر باز می‌زند. او در برابر مشکلات صبور است و همیشه راه‌حل منطقی کارها را در نظر می‌گیرد. «یکی از ما دو نفر باید باشد که وقتی (کارآگاه) آمد، باخبر شویم». او در مقابل مشکلات به قانون و کلاتر مراجعه می‌کند. فراخود مرد چنان قوی است که می‌تواند امیال و احساساتش را کنترل و در مقابل نهاد ایستاده‌گی کند. اما زن جوان که سخت عاشق است، دست به دزدی می‌زند تا مشکلات مادی را برطرف کند و به آرزوها و معشوقش برسد. فردی با سابقهٔ ده‌سالهٔ کاری که حالا بین نهاد و فراخود در حال جدال و کشمکش است. کسی که وقتی پولیس، (نمایندۀ قانون) را می‌بیند، دست و پایش را گم می‌کند و از راه اصلی (جاده / زنده‌گی) منحرف می‌شود. دختر بعد از ساکن شدن در مسافرخانهٔ متروکه و آرامش نسبی و در پی صحبت با نورمن متوجه می‌شود که نزدیک است در دامی بیفتد که به دست خودش ساخته؛ در نتیجه نهاد آشوبگر را کنترل می‌کند و با کمک فراخود به خود درونش می‌رسد. این‌جاست که قصد عزیمت و

اتاقی دارد که در بستر گرد زمین جایگزین شده‌اند نیز می‌تواند نشانی از نمادهای دیگر جنسی از دیدگاه فروید باشد.

تنش بین خشکی و آب را نیز می‌توان شبیه تنش هوشیار و ناهوشیار در نظریهٔ فرویدی دانست؛ مرز بین خشکی و مرداب که نورمن در آن می‌ایستد و بلند بلند می‌خندد.

از دیگر نکات نهفته در متن، می‌توان به تیپ‌های زبانی توجه داشت. به اعتقاد زیگموند فروید، بروز ناخودآگاه توسط تیپ‌های زبانی امکان‌پذیر است. فروید معتقد است هیچ چیز بی‌سبب و تصنعی نیست؛ در مسایل روانی همه چیز به هم مربوط است. وقتی کسی اشتباهی می‌کند، در واقع ضمیر ناخود آگاه اوست که خود را به رخ می‌کشد و بارز می‌شود. نورمن در مقابل کارآگاه به تته پته می‌افتد و دچار لکنت زبان

فرستادن مادر و این‌که نورمن نباید بگذارد مادر به او زور بگوید، عصبانی شده و دست به قتل دختر می‌زند. از سوی دیگر، نورمن به دختر علاقه‌مند می‌شود و وقتی متوجه می‌شود که دختر صبح زود قصد بازگشت و ترک او و هم‌چنین قصد نصیحت کردنش را دارد، از دختر بیزار می‌شود. به گفتهٔ نورمن «شاید دختران زیبا بتوانند او را گول بزنند اما نمی‌توانند مادرش را گول بزنند». بنابراین دو نیمهٔ شخصیت که علیه دختر شوریده‌اند (مادر نورمن / نورمن جوان)، دست به دست هم داده و نیمهٔ دوم نورمن (مادر) که انگیزهٔ قوی‌تری دارد، دست به جنایت می‌زند.

از صحنه‌های موثر دیگر که اوج داستانی فلم را نیز در بر می‌گیرد، می‌توان به صحنه‌یی اشاره کرد که نورمن در لباس زنانه به نیت کشتن دختر به سمت او می‌رود. این صحنه به خوبی بیان‌گر جدال بین نورمن مادر و

شکریه بارکزی رییس پیشنهادی کمیسیون اصلاحات انتخاباتی:

معامله گر نیستیم

گفتو گو کننده: هارون مجیدی

با سپاس از این که برایمان وقت گذاشتید، اگر بگویند که در شرایط امروزی و با توجه با مشکلاتی که انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی افغانستان داشت، ایجاد کمیسیون اصلاحات انتخاباتی چه اهمیت دارد؟

آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی افغانستان یک اصل انکارناپذیر است؛ راهی دیگر غیر عملی کردن تعهد اصلاحات در نظام انتخاباتی افغانستان وجود ندارد تا با این اصلاحات ما شاهد برگزاری انتخابات پارلمانی، شوراهای ولسوالی و انتخابات دیگر در کشور باشیم.

اصلاحات در نظام انتخاباتی افغانستان به حیث انتخاب نه، بل بر بنیاد نیاز است؛ به دلیل این که انتخابات در افغانستان نه تنها که یک پروسه سیاسی است، بلکه یک پروسه ملی و مردمی نیز است و جز اساسی حقوق شهروندی حساب می شود. پس باید نظام انتخاباتی افغانستان، نظام قابل اعتماد برای مردم کشور باشد تا از آن طریق مردم و جامعه جهانی به دموکراسی نوپای افغانستان اعتماد کنند؛ افغانستان زعامت ملی و حاکمیت ملی اش آن چنانی که در قانون اساسی افغانستان ذکر شده که به ملت تعلق دارد، از آن طریق بتوانند مصدر خدمت برای مردم ما شوند.

در عین حال، ما باید به تنش های سیاسی در مراحل انتخابات هم نقطه پایان بگذاریم.

بیشتر از دو هفته است که فرمان ایجاد این کمیسیون صادر شده، آیا تا حال شما جلسات کاری برگزار کرده اید؟

ما نشست های مقدماتی داشته ایم؛ البته انتظار این را داریم که جلسات ما صرف نظر از جدال ها و اختلافاتی که وجود دارد، به گونه درست، سیستماتیک (سامان مند) و مطابق آنچه اصول ایجاد می کند، به پیش برود.

با کمال تأسف که در بسیاری از موارد اختلافات سیاسی پنجه های قوی تر دارد؛ اما به هر حال، به عنوان رییس کمیسیون اصلاحات انتخاباتی و با شناختی که از اعضای کمیسیون دارم و آنان برایم گفتند، تعهد ما تعهد ملی برای مردم افغانستان است. ما در راستای اصلاحات در نظام انتخاباتی افغانستان که شامل قوانین، فرامین، لویح و ساختارهای انتخاباتی است، کار خود را ادامه می دهیم؛ البته نه به سلیقه افراد، بلکه بر اساس خواست و ضرورتی که مردم افغانستان دارند.

پیش از این در گفت و گویی که با معاون کمیسیون اصلاحات انتخاباتی داشتیم، گفتند که هیچ گونه علاقه یی به اصلاحات انتخاباتی وجود ندارد و این کمیسیون تا حال هیچ نشستی را برگزار نکرده، در حالی که شما می گویند نشستی داشته اید، این دو دسته گی برخاسته از چیست؟

ما تا حال نشست های تعارفی داشته ایم؛ اما، تعهد نظام با صدور فرمان خلاصه نمی شود، به دلیل اینکه، وقتی فرمان صادر می شود در قدم اول ما نمی خواهیم به عنوان یک ارگان مشوره دهنده باشیم. در کنار اینکه ما می دانیم فاقد صلاحیت اجرایی هستیم، اما آنچه که ما به عنوان فشرده نظریات، تغییر در قانون و طرز العمل ها بیان می کنیم باید تنها به عنوان مشوره پذیرفته نشود؛ باید از لحاظ حقوقی جایگاه خود را داشته باشد و به آن عمل شود.

بدون شک نشست های ما تا امروز به دلیل این که ما متأسفانه دفتر مشخص نداریم؛ هر چند در فرمان ذکر شده که اداره امور این مسوولیت را به دوش دارد، اما تا هنوز ما نفهمیده ایم که بلاخره دفتر کمیسیون اصلاحات انتخاباتی در کجا است.

شما فراموش نکنید که این کمیسیون تنها مربوط و منوط به دولت افغانستان است، ما یک نماینده از سازمان ملل متحد نیز در این کمیسیون عضو داریم که تا هنوز خارج از افغانستان هستند و آرزو دارم که در جریان همین هفته، با تکمیل نصاب ما بتوانیم جلسه رسمی خود را داشته باشیم.

اگر نظام تعهد به آوردن اصلاحات در نظام انتخابات را نداشته باشد، ما جز وقت کشی، نا دیده گرفتن قانون اساسی و جز از دست دادن یکی از پایه های اساسی دموکراسی که همانا انتخابات و جلب اعتماد

تجربیه یی که من دارم می خواهم با شما شریک سازم. ما در پارلمان افغانستان از آدرس هایی با پس زمینه های مختلف هستیم و بحث قانون گذاری، نظارت و بودجه بحث های جداگانه هستند.

اول همه باید بدانند که من صلاحیت تعیین را نداشته ام که بگویم که کی در کجا باید تعیین شود. اما، حداقل شناختی را که از دوستانی که معرفی شده اند دارم، با توجه به گذشته کاری شان جوانان، اعضای جامعه مدنی، احزاب سیاسی، زنان، استادان پوهنتون (دانشگاه) هستند و زمانی که شما بخش بندی می کنید بخش های متنوع را می بینید.

دوستان باید دو گپ را از هم دگر جدا سازند که یکی چگونگی نظارت از انتخابات است که بدون شک احزاب سیاسی و نهادهای جامعه مدنی به عنوان ناظر انتخاباتی بودند. پس نباید این حلقه را محدود بسازیم و فکر کنیم که اگر ما هستیم همه چیز خوب است و اگر نیستیم همه چیز بد است؛ بیایید با وسعت نظر به کارها بنگریم، امیدوار هستم که دوستان پیش از پیش قضاوت نکنند که متأسفانه قضاوت های منفی در بسیاری از موارد مانع اصل اصلاحات است.

از زمانی که فرمان رییس جمهور صادر شد، استقبال مردم بسیار گرم بود، اما به مجردی که بسیاری دوستان از لست خوش شان نیامد و یا برخوردها سلیقه یی شد، مردم از این هم مأیوس شدند که آیا تعهد این نظام برای اصلاحات است یا خیر؟

یکی از مواردی که ظاهراً سبب شده تا کمیسیون اصلاحات انتخاباتی به کار آغاز نکند حضور شما به عنوان رییس این کمیسیون است؛ با توجه به پس زمینه یی که شما داشته اید و در جریان انتخابات یکی از اعضای تیم انتخاباتی تحول و تداوم که مربوط به رییس جمهور غنی می شود، بوده اید. ریاست اجرایی هم گفته که نام شما در دقیقه نود وارد این لیست شده و در جلساتی که ریاست جمهوری و ریاست اجرایی برای ایجاد این کمیسیون داشته اند، شما مطرح نبوده اید. اگر بگویند که چطور وارد لست اعضای کمیسیون اصلاحات انتخاباتی و به عنوان رییس این کمیسیون معرفی شدید؟

بهرتر این است که نظر سیاسی من در ارتباط به تیم تحول و تداوم و یا هم ترکیبی که این کمیسیون داشته، نباید مانع باشد. به خاطر این که گذشته من به عنوان یک اصلاح طلب، قانون گذار و کسی که نقش بسیار اساسی در تدوین و نوشتن قانون اساسی داشته ام، از این منظر باید مورد نقد قرار بگیرد.

در کنار این که بسیاری ها می دانند که من انسان معامله گر نیستیم و مخصوصاً با ارزش ها هیچ گاهی معامله نمی کنم، کاش از این دید آنان می دیدند.

آنچه که این ها به عنوان یک معضل مطرح می کنند که من در دقیقه نود آمده ام و یا دقیقه اول؛ می خواهم بدانم که مشکل اینها با اصلاحات در چه است؟ مشکل شخصی حضور من کدام منافع ملی افغانستان را به خطر می اندازد، روند اصلاح را کند می کند و یا برخلاف این موارد است. خوب است که این سوالات از هر دو رهبر پرسیده شود.

کمیسیون هایی که مطابق به تفاهم نامه سیاسی رهبران ایجاد می شود، اصول همین است که رییس آن از طرف دکتر اشرف غنی تعیین می شود. این کمیسیون گزارش خود را به دکتر عبدالله می سپارد و رییس اجرایی می برد به رییس جمهور؛ دوستانی دیگری هم که در این کمیسیون هستند مربوط به احزاب مختلف و چهره های شناخته شده این کشور هستند.

امیدوارم که برخوردها در موارد ملی به گونه باشد که خواسته های سلیقه یی و کوچک نباید ارزش های ملی را از مردم بگیرد.

هر کسی نظر شخصی خود را دارد، اما گذشته کاری من به اثبات رسانده که نظریات ملی و اصلاح گرانه من محدود به فکر سیاسی من نبوده و نمی باشد.

در نهایت، تا چه زمانی باید مردم منتظر جلسات کاری شما باشند؟

تعجب نکنید اگر بگویم که کمیسیون کار خود را شروع کرده است، به خاطر این که اعضای کمیسیون از روزی که فهمیده اند، به طور شخصی و گروهی نزد خود برنامه های برای اصلاحات دارند.

من کار خود را شروع کرده و نظریات خود را با دوستان شریک کرده ام که روی اصول اساسی تقریباً به توافق رسیده ایم.

آنچه که بسیار مهم است ما در این مرحله به تعهد بزرگان سیاسی و اعتماد مردم ضرورت داریم.

سپاس گزارم از این که وقت گذاشتید.

تشکر.

شبکه حقانی مسوول...

انتحاری شاه غلام نام داشت و از منطقه ملتان پاکستان به ولایت خوست آمده بود.

به نوشته امنیت ملی، سراج الدین حقانی، رهبر شبکه حقانی هدایت مستقیم این حادثه را به عهده داشته است. امنیت ملی افغانستان مدعی شده که افرادی را که در این حادثه دست داشته شناسایی کرده است و اقدامات لازم را در این زمینه انجام خواهد داد.

روز جمعه گذشته شماری از معترضان در ولایت خوست، عبدالجبار نعیمی سرپرست این ولایت را متهم به دست داشتن در انفجار انتحاری روز پنجشنبه کرده و خواستار محاکمه او شدند.

آقای نعیمی این اتهام ها را رد کرد.

امروز نیز در ولایت خوست ماتم ملی اعلام شده و تمام ادارات دولتی و مغازه ها مسدود است.

۲۰۱۴ سال خوبی...

کتر در اختیار تاجران و صادرکننده گان قرار دهد.

وام های تجارتي

رییس اداره انکشاف صادرات افغانستان گفت که تا سال آینده تاجران می توانند از قرضه مستفید شوند و تا هفت میلیون دالر امریکایی می توانند قرضه بگیرند.

ریاست انکشاف صادرات افغانستان همچنان روز گذشته تفاهمنامه یی را با شرکت مالی دهات افغانستان یا ARFC امضا کرد تا صادرات افغانستان را رشد داده و قرضه های درازمدت را در اختیار تولید کننده گان و دهقانان قرار دهد.

حشمت الله نماینده شرکت مالی دهات افغانستان می گوید که آن اداره از تاجران و صنعت کارانی که تولیدات افغانستان را به گونه معیاری به بازار های خارجی صادر می کنند، حمایت کرده و قرضه ها را بر اساس معیار بانک های اسلامی در اختیار آنان قرار می دهد.

نماینده شرکت مالی دهات افغانستان گفت که قرضه های آن اداره برای زنان از ده هزار دالر تا ۱۰۰ هزار دالر و برای بخش های صنعتی از ۱۰۰ هزار تا ۵۰۰ هزار دالر می رسد. در یک انکشاف دیگر ریاست انکشاف صادرات افغانستان می گوید که قرار است به زودی آن اداره قراردادی را با شرکت DHL امضا کند تا صادرات افغانستان به گونه مستقیم از داخل این کشور به خارج ارسال شود.

بر اساس یک تفاهمنامه شرکت مراسلات DHL برای صادر کننده گان افغانستان نزدیک به ۴۵ درصد تخفیف خواهد داد. در حال حاضر بخش زیاد صادرات افغانستان به ویژه قالین ساخت افغانستان از طریق پاکستان به کشور های دیگر صادر می شود.

داعش مسوول ربودن...

کرده و با خود بردند.

این آدم ربایی در سراسر جامعه هزاره و برای دیگر شهروندان دیگر افغانستان نگرانی ایجاد کرده و اعتراض هایی را نیز در پی داشته است. روز شنبه تظاهراتی در شهر مزار شریف راه اندازی شد که به گفته برگزارکنندگان آن، حدود چهار هزار تن در آن شرکت کرده بودند. اعتراض های بیشتری در روزهای آینده در کابل برنامه ریزی شده است.

محقق گفت: «مردم در سراسر کشور نگران شده اند و از حکومت می خواهند که اقدامات خود برای حل این قضیه را تسریع بخشد. حکومت هر آنچه در توان دارد، از مذاکره تا جنگ، برای آزادی این گروگان ها انجام می دهد.»

در ماه گذشته برخی از خانواده های افراد ربوده شده کمپ اعتراضی در بیرون ساختمان پارلمان در کابل برگزار کردند. محمد ظاهر ۳۳ ساله گفت که برادرش حسین برای تجدید ویزای خود از ایران عازم کابل بود: «ما امیدواری خود را از دست داده ایم که حکومت بتواند کاری برای ما کند. وقتی به مقام های حکومتی و بزرگان خود مراجعه می کنیم، دلیلی

به ما نمی دهند که احساس امیدواری کنیم.»

پسر ۲۳ ساله یی به نام اسماعیل کیهان گفت که به اعتراض روزمره خود تا زمانی ادامه می دهد که پدرش محمد جمعه آزاد گردد و سلامت به خانه برگردد. کیهان گفت: «حکومت هیچ کاری نکرده است و اگر هم کاری انجام داده، ما از آن اطلاعی نداریم.»

مقام ها حضور «دولت اسلامی» یا داعش را در افغانستان تایید کرده اند. اما مقام های حکومت مرکزی قبلاً تایید نکرده بودند که این گروه مسوول آدم ربایی در افغانستان است. این گروه که با خشونت افراطی خود مشهور است، حدود یک سوم خاک سوریه و عراق را زیر کنترل خود دارد. موارد دیگری از ربودن هزاره ها در افغانستان به گروه طالبان نسبت داده شده است.



شخصیت‌های معروف کدام را ترجیح می‌دهند؟ رونالدو یا مسی؟

این خواننده پاپ انگلیسی نیز با حمایت از رونالدو گفت: فکر نمی‌کنم رونالدو به خاطر اینکه هفته‌ای ۲۵۰ هزار پوند در آمد دارد فوتبال بازی می‌کند. او همیشه می‌تواند با این توانایی فوتبال بازی کند و نیازی به انگیزه ندارد. حتی اگر به رونالدو ۲۵۰ پوند هم بدهید، همین فوتبال را به نمایش می‌گذارد. من هم دقیقاً همین فلسفه را دارم با این تفاوت که من در موزیک فعالیت می‌کنم و رونالدو در فوتبال.

رافائل نادال

من همیشه انگیزه رونالدو را برای جوانانی که در اول راه ورزش هستند می‌گویم و دوست دارم آنها نیز مثل رونالدو شوند. رونالدو دوران فوتبال باشکوهی داشته است و بازیکن بی نظیری است.

*** در زیر نظر کسانی که لیونل مسی را بهترین فوتبالیست جهان می‌دانند آمده است:

پپ گواردیولا

چند سالی است که مسی بهترین بازیکن جهان است و همه او را با این صفت می‌شناسند. او در هر دیدار تأثیرگذار است و این موضوع را در هر بازی نشان می‌دهد. او توانایی انجام هر کاری که اراده کند را دارد. افتخار می‌کنم که مربی او بودم. من مسی را بهترین بازیکن جهان نکردم بلکه او من را بهترین مربی کرد. مثل کوبی برایانت و مایکل جکسون او فوق‌العاده است

جان تری

بچه‌های من خیلی مسی را دوست دارند. آنها هر دو پیراهن مسی را دارند و آن را می‌پوشند. آنها خیلی دوست داشتند که در یکی از بازی‌های قبلی چلسی و بارسلونا پیراهن را با مسی عوض کردم. خیلی خوشحالم که مقابل بهترین بازیکن رقابت کردم. وقتی بازنشسته شوم بازی‌های خودم را با بهترین بازیکن جهان دوباره خواهم دید.

رونالدو برزیلی

انتخاب بین مسی و رونالدو سخت است. بارها پیش آمده است که می‌خواهید یک وسیله بخرید ولی بین دو چیز مردد می‌شوید. این موضوع نیز دقیقاً همین است. به نظر من مسی کامل‌تر از رونالدو است. حداقل بیشتر تعیین کننده بوده است و در خدمت تیم است. جایی که لازم باشد مسی خودش را نشان می‌دهد و گل می‌زند و این کار را در تمام بازی‌ها از او می‌بینیم.

دیگو مارادونا

بازیکنی را دیدم که میراث من را در آرژانتین در اختیار خود گرفته است. نام او مسی است. او یک نابغه است. او می‌تواند بهتر از این هم شود.

تری آری

خیلی خوشحالم بودم که این فرصت را داشتم تا هر روز تمرین او را ببینم. او بهترین بازیکن جهان است و من این موضوع را نه در بازی‌های او بلکه در تمرینات و حرکات ساده او می‌بینم. بازی مسی ساده و زیباست و همه از دیدن بازی او لذت می‌برند. من در بارسلونا با او هم تیمی بودم و این را برای خود یک افتخار می‌دانم.

کوبی برایانت

من از بین تیم ملی آرژانتین پیراهن شماره ۱۰ را می‌پوشم و آن هم به خاطر لیونل مسی است که بهترین ورزشکار جهان است. او در ۵ سال گذشته این موضوع را به خوبی ثابت کرده است. او سالهاست که بهترین بازیکن جهان است.

یوسین بولت

مقایسه رونالدو و مسی - سرعت؟ رونالدو. شوت؟ رونالدو. دریبل؟ مسی. هوش؟ مسی. استعداد؟ مسی. برنده؟ مسی.

لیرون جیمز

به نظر من مسی نه تنها بهترین بازیکن جهان بلکه بهترین بازیکن تاریخ است.

شخصیت‌های معروف جهان نظرشان را درباره رونالدو و مسی به زبان آوردند.

عصر، عصر مسی و رونالدو است. هر جا می‌روید و در هر محفل فوتبالی که صحبت می‌شود بی‌گمان همه درباره این دو بازیکن صحبت می‌کنند و همان سوال همیشگی که مسی بهتر است یا رونالدو. از سال ۲۰۰۸ که کریستیانو رونالدو توانست عنوان مرد سال فوتبال جهان را به خود اختصاص دهد، شاید فکرش را هم نمی‌کرد روزی رقیبی برای او ایجاد شود که ۴ بار توپ طلای فوتبال جهان را کسب کند. این ستاره پرتغالی رفته رفته توانست خود را از سایه مسی خارج کند و در دو سال گذشته توانسته عنوان مرد سال فوتبال جهان را به خود اختصاص دهد.

با توجه به شرایط فوتبالی که تا اینجا در سال ۲۰۱۵ شاهد بودیم، بعید است جایزه توپ طلای فوتبال جهان در این سال نیز به بازیکنی غیر از این دو برسد. هر چند تا اینجا سال ۲۰۱۵ مسی به مراتب از رونالدو بهتر بوده است. *** در زیر نظر افرادی که رونالدو را بهترین بازیکن جهان می‌دانند آمده است:

ژوزه مورینیو

مورینیو در رئال مادرید سابقه کار با رونالدو را دارد و به خوبی از توانایی این فوق ستاره آگاه است. او درباره رونالدو می‌گوید: «او بهترین بازیکن جهان است. خیلی ساده. بهترین بازیکن جهان؟ بله قطعاً. شاید هم بهترین بازیکن تاریخ فوتبال جهان. من بازی مارادونا را چند بار دیدم. بازی پله را اصلاً ندیدم ولی این را می‌توانم بگویم که رونالدو فوق‌العاده است. او همه توانایی لازم برای یک فوتبالیست را دارد. او یک ماشین گلزنی است و یک بازیکن باورنکردنی. او دقیقاً مثل زیدان است یعنی بازیکنی مثل او نخواهد آمد.»

فرناندو تورس

از نظر من رونالدو بهترین بازیکن جهان است و بازیکنی نیست که بتوان او را با رونالدو مقایسه کرد.

سر بابی چارلتون

رونالدو واقعا بهترین بازیکن جهان است. او کارهایی در زمین مسابقه انجام می‌دهد که من ندیدم بازیکنی دیگر بتواند آن را انجام دهد. دیدن بازی رونالدو لذت‌بخش است. برای یک بازیکن سخت است که مثل یک هیولا توپ را از بازیکن حریف بقاءد و آن را جلو ببرد و وارد دروازه حریف کند ولی او در هر بازی این کار را انجام می‌دهد.

ریو فردیناند

رونالدو توانایی‌های زیادی دارد و توانسته خیلی خوب در سال‌های اخیر خودش را ثابت کند. تنها چیزی که باعث شده است رونالدو تا این حد پیشرفت کند انگیزه بالای اوست که در کنار سخت‌کوشی زیاد باعث شده است تا رونالدو به بازیکن بزرگی تبدیل شود. او در منچستر یونایتد و لیگ سخت انگلیس خودش را اثبات کرد و به بازیکن بزرگی تبدیل شد و در رئال مادرید مسیر خودش را ادامه داد. من رونالدو را تحسین می‌کنم. او با توانایی و تمرین زیاد توانست پیشرفت کند و به بازیکن بزرگی تبدیل شود.

لی کلایتون

این روزنامه نگار سابقه نیز درباره این بازیکن گفت: رونالدو برای من یعنی قدرت، سرعت، تمام‌کنندگی، شور و شوق و همه این‌ها. او برای من فراتر از جورج بست است. مسی بازیکن خوب و زیرکی است که با دریبل‌های ریز خود شهرت یافته است ولی من رونالدو را انتخاب می‌کنم. رونالدو هر کاری که مسی می‌کند را می‌تواند بهتر انجام دهد و همین باعث شده است تا رشد کند و به بازیکن بزرگی تبدیل شود.

کارلوس کی‌روش

درست همان طور که مایکل جردن به ستاره و نماد بسکتبال تبدیل شد، رونالدو هم نماد فوتبال است. آنها هر دو توانایی‌هایی دارند که باعث شده است به این جایگاه برسند. توانایی آنها ذاتی است.

رابی ویلیامز

پیگرینی:

با منچستر سیتی ناعادلانه رفتار شده است

اما سایر تیم‌های بزرگ همواره بیشتر از ما هزینه کرده‌اند. پس از آن که منچستر سیتی قوانین فیرپلی مالی را رعایت نکرد، یوفا جریمه‌ای برای آنها در نظر گرفت. قرار شد آنها در هر فصل نقل و انتقال، بیش از ۴۹ میلیون پوند هزینه نکنند و میزان دستمزد پرداختی آنها در هر سال و تا پایان فصل ۲۰۱۶-۲۰۱۵ نباید بیش از ۲۰۵ میلیون پوند شوند.

در بررسی ترازهای مالی اخیر باشگاه منچستر سیتی مشخص شده هزینه‌های این تیم در خرید بازیکن به هیچ وجه از مبلغی که یوفا برای آنها در نظر گرفته بود بیشتر نشده است. منچستر یونایتد ۱۴۵,۵ میلیون پوند، لیورپول ۱۱۳ میلیون، آرسنال ۹۲,۵ میلیون و چلسی ۸۲,۶ میلیون پوند طی دو فصل گذشته و از زمانی که منچستر سیتی با محرومیت روبه‌رو شده بود برای خرید بازیکنان جدید هزینه کرده‌اند. این در حالی است که سیتی طی این مدت ۶۸ میلیون پوند هزینه داشته است.

پیگرینی در این زمینه هم گفت: فکر می‌کنم مهم‌ترین مساله برای ما پول است. فکر نمی‌کنم این راه درستی برای قضاوت تیم ما باشد. ممکن است یک تیم هزینه زیادی

سرمری سیتی بر این باور است که در دو سال اخیر با تیمش ناعادلانه رفتار شده است. مانوئل پیگرینی تأکید کرد باید بر اساس نتیجه‌هایی که منچستر سیتی در فصل آینده می‌گیرد او را مورد قضاوت قرار دهند زیرا تیم او در این فصل به خاطر رعایت قانون فیرپلی مالی تا حد زیادی زیر فشار بوده است.

منچستر سیتی که در این فصل از رقابت‌های لیگ برتر انگلیس مدافع عنوان قهرمانی به شمار می‌رود، با توجه به آن که منچستر یونایتد و آرسنال بازی‌های خود را با پیروزی پشت سر گذاشتند، به رتبه چهارم سقوط کرده است. پیگرینی بر این باور است که رقابت در سال جاری برای او و تیمش ناعادلانه پیش رفته است زیرا منچستر سیتی به خاطر عدم رعایت قانون فیرپلی مالی جریمه شده بود.

با این که اخیراً باشگاه منچستر سیتی ۵۰ میلیون پوند برای خرید الیاکیم مانگالا و ویلفرد بونی هزینه کرده است اما سرمری شیلیایی این تیم باز هم تأکید دارد با تیمش ناعادلانه رفتار شده است.

پیگرینی در این مورد گفت: فکر می‌کنم برای فصل آینده هیچ محدودیتی نداشته باشیم و یک بار دیگر در همان جایگاهی خواهیم



بود که سایر تیم‌های اروپایی هستند. این موضوع برای ما خیلی مهم است. تیم‌های بسیار قدرتمندی در لیگ برتر انگلیس و لیگ قهرمانان اروپا حضور دارند. ما نمی‌توانیم به آنها اجازه دهیم که برتری‌شان نسبت به ما را در هر فصل حفظ کنند. نمی‌توانیم هر سال کمتر از سایر تیم‌ها هزینه کنیم و بازیکنان بسیار کمتری نسبت به آنها داشته باشیم. تیم ما همواره پول داشته و هزینه هم کرده است

برای خرید بازیکن انجام دهد اما تیم موفق نباشد. منچستر سیتی در طول چهار فصل، دو بار موفق به کسب قهرمانی و یک نایب قهرمانی در لیگ برتر انگلیس شده است. باید بدانید وقتی تیم شما به یک تیم بزرگ تبدیل می‌شود، همواره مورد انتقاد قرار می‌گیرد. آنگاه آن تیم باید بیاموزد که چگونه با تمامی منتقدان کنار آمده و در هر دیدار بهترین نمایش خود را ارائه کند.



گواردیولا:

دوست دارم ۱۰۰۰ دانه داشته باشم

از همان ابتدا نیز می‌دانستیم

که کار بسیار سختی برای پیروز شدن برابر تیمی چون دورتموند داشتیم. بازی کردن در وست فالن اصلاً آسان نیست و بایرن از سال ۲۰۰۹ تا حالا دو بار در این ورزشگاه به پیروزی رسیده است و این نشان می‌دهد که بازی کردن در خانه دورتموند اصلاً آسان نیست. او ادامه داد: بازی کردن برابر



تیم‌های چون بایرلورکوزن و دورتموند آن هم در خانه‌های آنها بسیار سخت است. خوشحالم که در این دیدار نیز توانستیم به پیروزی برسیم. حالا برای قهرمانی به چهار پیروزی دیگر نیاز داریم.

سرمری بایرن مونیخ در پایان سخنان خود به ستایش از دانه مدافع برزیلی تیمش پرداخت و گفت: دانه مدت‌ها بود که برای بایرن بازی نکرده بود اما در این دیدار عملکرد بسیار خوبی داشت و می‌خواهم این پیروزی را به او هدیه کنم. دوست دارم در تیمم ۱۰۰۰ دانه داشته باشم. همه بازیکنان بایرن در این دیدار تلاش کردند و شایسته پیروزی بودیم.

سرمری بایرن اسپانیایی بایرن مونیخ پیروزی برابر دورتموند را سخت توصیف کرد. او در نشست خبری بعد از بازی گفت:

مراسم فاتحه خوانی فرخنده در سراسر کشور برگزار شد



مراسم فاتحه و ختم قرآن برای فرخنده در کابل با حضور رهبران دولت وحدت ملی و خانواده فرخنده و در ولایات با حضور مقام‌های محلی تحت تدابیر امنیتی برگزار شد.

مراسم فاتحه فرخنده پس از آن برگزار می‌شود که اشرف غنی در سخنرانی روز پنجشنبه گذشته اعلام کرد که به وزارت حج و اوقاف دستور داده شده که برای فرخنده مراسم فاتحه برگزار کند.

در کابل این مراسم در چند محل برگزار شد از جمله در مسجد جامع کاخ ریاست جمهوری. به گزارش دفتر ریاست جمهوری آقای غنی، عبدالله رییس اجرائی، حامد کرزی رییس جمهوری پیشین و سایر مقام‌های ارشد دولتی شرکت کردند.

اعضای خانواده فرخنده و بستگان آنها هم در این مسجد حضور داشت. گزارش‌ها از ولایت‌های افغانستان هم حاکی است که مقام‌های محلی دولتی مراسم فاتحه فرخنده که از سوی ادارات محلی وزارت حج و اوقاف برگزار شده بود، حضور یافتند.

این مراسم در کابل و شهرهای کشور با تدابیر امنیتی برگزار شد. پیش از این شورای امنیت ملی تصمیم گرفته است که برای تامین امنیت خانواده فرخنده و اعاده حیثیت آنها دولت اقدامات جدی را روی دست گیرد.

کمیسون حقیقت‌یاب در مورد پرونده قتل فرخنده به رییس جمهوری با حضور اعضای خانواده مقتول گزارش داده که او هنگام قتل تقصیری نداشته است.

رییس جمهوری قتل فرخنده را «دردناک و وحشتناک» توصیف کرده که «به طور صریحی با روح و ارزش‌های اسلامی» مغایرت داشت. آقای غنی همچنین گفته که «این اتهام که گویا او به قرآن کریم بی‌حرمتی کرده، کاملاً

شفاخانه ۲۰۰ بستر در مرکز

پروان ساخته می‌شود



کار ساخت شفاخانه ۲۰۰ بستر در مرکز ولایت پروان آغاز شد. مسوولان وزارت صحت عامه کشور می‌گویند: این ساختمان در مساحت ۴۰۰ متر مربع در دوطبقه به گونه اساسی با تمویل مالی از بودجه انکشافی وزارت صحت عامه باهزینه پنج میلیون دالر در مدت ۳۶ ماه ساخته خواهد شد.

فیروزالدین فیروز وزیر صحت عامه کشور که در گشایش ساختمان شفاخانه اشتراک کرده بود، به خبرگزاری جمهور گفت: «این پروژه خیلی حیاتی در ولایت‌های شمال کابل است که نه تنها از این شفاخانه مردم ولایت پروان بلکه باشندگان ولایت‌های بامیان، کاپیسا، پنجشیر و نیز مردم کوه‌دامن استفاده می‌توانند و این مرکز درمانی، به گونه اساسی اعمار می‌شود».

همچنین، عبدالصیر سالنگی سرپرست ولایت پروان از شرکت ساختمانی طرف قرارداد ساخت عمارت این شفاخانه خواست که در کیفیت این پروژه توجه جدی کند:

«من از شرکت قراردادی تقاضا می‌کنم که در ساخت و ساز و کیفیت این ساختمان توجه صورت بگیرد. ما هیأتی را بخاطر نظارت بر این پروژه تعیین می‌کنیم».

از سویی هم، نمایندگان مردم پروان در پارلمان کشور می‌گویند: با آنکه مشکلات در عرصه خدمات صحتی در ولایت پروان موجود است اما این شفاخانه مشکلات مردم را کاهش خواهد داد.

صدیق احمد عثمانی وکیل مردم پروان در شورای ملی کشور در این مورد گفت: «از این که نفوس مردم پروان زیاد است و شفاخانه ملکی پروان که فعلاً موجود است گنجایش ندارد؛ با ساخت این شفاخانه شاید مشکلات مردم مرفوع شود» گفتنی است که ولایت پروان دارای ۷۰ کلینیک صحتی و شفاخانه در مرکز و ولسوالی‌ها است.

دروغ و بی‌اساس بوده است.» فرخنده دختر ۲۷ ساله‌ی بود که روز ۲۸ حوت به اتهام سوزاندن قرآن در نزدیک زیات شاه دوشمشیره در مرکز کابل از سوی مردان خشمگین با مشت و لگد، سنگ و چوب کشته و پیکرش سوزانده شد. این قتل در داخل و خارج از افغانستان به صورت گسترده‌ی محکوم شده و رییس جمهوری افغانستان گفته که واکنش گسترده مردم به این «وحشت» نشان داد که «وجدان اجتماعی در کشور فوق‌العاده قوی است».

پولیس تا حال بیش از ۴۰ نفر را به اتهام دست داشتن در قتل فرخنده بازداشت کرده است.

خروج ناتو بر فعالیت‌های امدادی تأثیر نداشته است

افغانستان داشته است؟

بودو فون بوریس، کارمند انجمن امدادی سیاست انکشافی و کمک بشردوستانه (فنرو) به خبرگزاری آلمان (دی پی ای) گفت که خروج این نیروها هیچ اثری بر وضعیت و فعالیت امدادگران در افغانستان نداشته است. او اضافه کرد: «حضور نیروهای خارجی در آغاز انعکاس خوبی در تامین ثبات داشت، اما بعدها در نواحی ای که نیروهای اردوی آلمان حضور داشتند، نیز وضعیت بدتر شده بود».

همچنان خانم سیمون پوت، سخنگوی سازمان آلمانی «کمک به گرسنگان جهان» در این ارتباط گفت که سازمان‌های فعال در افغانستان به فعالیت و عملیات مستقل از نیروهای اردوی آلمان همیشه اهمیت داده و خواهان تفکیک شفاف فعالیت‌های خویش از این نیروها بوده‌اند.

نمایندگان چندین سازمان امدادی آلمانی با توافق نظر ابراز داشتند که فعالین امدادسانی هیچگاهی از برنامه‌ها و طرح‌های دیرک نیل وزیر پیشین کمک‌های انکشافی آلمان مبنی بر فعالیت مشترک با نیروهای اردوی فدرال آلمان پیروی نکرده‌اند.

در همین زمینه تانیا خرمی، عضو سازمان «مکاتب افغانستان» با تاکید این موضع سازمان‌های امدادی گفت: «ما این طرح‌ها را خیلی به راحتی نادیده گرفتیم و همچنان هیچگاهی چنین برنامه‌ها را حتی لفظی نیز تایید نکرده‌ایم».



سازمان‌های امدادی آلمانی می‌گویند که برخلاف تصورات گذشته با وجود خروج نیروهای رزمی بین‌المللی از افغانستان فعالیت‌های امدادی ادامه دارد. این سازمان‌ها مانند گذشته در افغانستان فعالیت دارند.

از پایان ماموریت نیروهای رزمی «آیساف» تحت رهبری ناتو در افغانستان در دسامبر سال ۲۰۱۴ درست سه ماه سپری گردیده است. هنوز هم این سوال مطرح است که خروج این نیروها چه تاثیری بر فعالیت امدادگران آلمانی در

Mandegar

هزینه‌های تبلیغات شما در روزنامه ماندگار

ماندگار

شماره	موقعیت اعلان در روزنامه	اندازه	از ۱ الی ۳ روز	از ۳۱ الی ۸۰ روز ۲۰٪ تخفیف	برای ۱۸۰ روز ۴۰٪ تخفیف
۱	قسمت بالای صفحه کنار لوگو	14/4 cm	60 \$	48 \$	36 \$
۲	نصف پائین صفحه اول	16/25 cm	250 \$	200 \$	150 \$
۳	بندر در صفحه اول یا اخیر	3/25 cm	70 \$	56 \$	42 \$
۴	مکمل صفحه داخلی	36/25 cm	350 \$	280 \$	210 \$
۵	قسمت بالای صفحه اخیر	12/6 cm	100 \$	80 \$	60 \$
۶	نصف پائین صفحه اخیر	16/25 cm	250 \$	200 \$	150 \$
۷	در قسمت بالای وب سایت		برای 7 روز 400 \$	برای 14 روز 600 \$	برای 30 روز 1200 \$